

هر سال دریغ از پارسال

روزهای پایانی سال ۹۷ را پشت سر می‌گذاریم و در طول سال‌های گذشته در سرمقاله پایانی هر سال به بررسی و تحلیل اجمالی از سال گذشته می‌پردازیم. متأسفانه آن‌چه که در همه این سال‌ها مشترک بوده، این واقعیت است که «سال به سال دریغ از پارسال»

در سال‌های گذشته به فراز و فرودهای اقتصادی و صنعتی سال اشاره می‌کردیم و با تحلیل نقاط ضعف و قوت سال و با امید به بهبود اوضاع به انتظار بهار می‌نشستیم اما واقعیت این است که سال ۹۷ یکی از سخت‌ترین و ناگوارترین سال‌های اقتصادی، صنعتی و تولیدی کشور بود. سالی که با جهش ناگهانی نرخ ارز در بهار آغاز شد و مصداق واقعی ضرب‌المثل معروف «سالی که نکوست از بهارش بیداست» شد.

تشدید تحریم‌های ظالمانه آمریکا بر علیه کشور ایران و بی‌برنامگی و دستپاچگی دولت در یکسان‌سازی نرخ ارز بر پایه چهار هزار و دویست تومان در فروردین ماه و بگیر و ببندهای اطلاعاتی و صدور آئین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های عجولانه و غیرکارشناسی، موجب شد تا فنر جمع شده نرخ ارز در طول دوره اول ریاست جمهوری دکتر روحانی، آزاد گردد و چیزی نگذشت که در کمتر از چندماه، دلار بیست هزار تومانی را هم تجربه کنیم و این افزایش لجام‌گسیخته نرخ ارز، تورم سنگینی را بر مردمی که هنوز در شوک کاهش ارزش پول ملی خود در آغاز سال بودند، تحمیل کرد تا کارگران و کارمندانی که افزایشی در حقوق و درآمد ماهیانه خود نداشتند، بیش از پیش با مفاهیم اقتصاد مقاومتی و ریاضتی آشنا شوند.

کمبود شدید مواد اولیه و وجود رانت‌های اطلاعاتی و فساد در دریافت ارز دولتی تا به آنجا رسید که قوه قضائیه و نهادهای نظارتی نیز گزارش‌های متعددی را در این خصوص منتشر کردند و طرح مبارزه با سلاطین، استارت خورد. دستگیری و محاکمه سلطان سکه، سلطان قیر و سلاطین دیگر اگرچه از منظر خبرسازی و هجمه به افکار عمومی موثر بود اما تأثیری بر کاهش قیمت‌های کاذب بازار نداشت؛ به طوری که قیمت‌هایی که به بهانه دلار بیست هزار تومانی سر به فلک کشیده بودند با دلار ده هزار تومان هم آرام و متعادل نشدند.

افزایش بی‌رویه قیمت‌ها در بازار مسکن، خودرو، سکه، طلا و هر بازار دیگری وقتی نفس‌گیر و غیرقابل تحمل می‌شود که با بی‌ثباتی همراه باشد. در واقع این رکود تورمی که در این شرایط اقتصادی - سیاسی در سال ۹۷ حاکم شد، جزو سخت‌ترین شرایط اقتصادی دهه‌های گذشته بود البته این شرایط نه فقط در صنعت نساجی که در بخش‌ها و صنایع مختلف به وضوح قابل درک است. به طور مثال در صنعت چاپ و نشر در حالی که نرخ ارز آزاد، سه برابر شده است، نرخ کاغذ مصرفی ناشران بیش از پنج یا شش برابر شده، آن هم در شرایطی که دولت مدعی است کاغذ را با نرخ ارز دولتی تخصیص می‌دهد.

تاراج سرمایه‌های مملکت با تخصیص ارز دولتی به سلاطین کاغذ و بی‌برنامگی دولت در تنظیم بازار موجب شد بسیاری از همکاران مطبوعاتی در سال ۹۷، با سال‌ها تجربه و سابقه، رسانه‌های خود را تعطیل کنند و از انتشار کتب و نشریات خود ناتوان گردند. افزایش بی‌رویه هزینه‌های چاپ و ملزومات چاپ بدون تردید اثر جبران‌ناپذیری بر تضعیف حوزه علم و دانش و فرهنگ این کشور خواهد گذاشت.

ظاهراً امسال برخلاف سال‌های گذشته بوی بهبودی در اوضاع جهان نمی‌آید و باید حداقل به ثبات شرایط فعلی امیدوار باشیم تا گشایشی در کار اتفاق افتد و روزهای بهتری را در کنار هم تجربه کنیم.

مدیرمسئول

سرمقاله